

تأثیر ادراک و سوءادراک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی رابطه ایران و آمریکا (۱۳۹۹-۱۳۷۶).

رضا رستگارپور^۱

حسن شفیعی^{۲*}

محمد رضا دهشیری^۳

DOI:

۲۱۹

چکیده

روابط ایران و آمریکا که تا قبل از انقلاب ۵۷، متحد استراتژیک یکدیگر در منطقه تلقی می‌شدند، در طول چهار دهه گذشته همواره با چالش‌های گوناگونی روبرو بوده، بنحویکه امروزه به دشمنان سرسخت هم بدل شده‌اند. تضادهای ایدئولوژیک، مسئله فلسطین، رقابتها و سیاستهای کاملاً متفاوت منطقه‌ای و کشنده شدن این اختلافات به جنگهای نیابتی، دو کشور را به شکل خطرناکی رو در روی یکدیگر قرار داده است. اما با وجود اختلافات عمیق که به برخی از آنها اشاره شد، در مقاطع خاصی، شاهد کاهش تنش و یا همکاری محدود میان دو کشور در برخی موضوعات منطقه‌ای بوده‌ایم. نویسنده معتقد است علت بخشی از نوسانات موجود در کاهش و یا افزایش میزان تنش در روابط دو کشور را باید در فرایند ادراک و سوء ادراک رهبران و تصمیم‌گیران جستجو کرد. فرایندی که جایگاه مطالعاتی آن در حوزه روانشناسی سیاسی قرار میگیرد. این مقاله براساس نظریه شناختی رابرت جرویس با مفروض گرفتن مواضع رادیکال و تهاجمی دولت احمدی نژاد و مقایسه آن با سیاست مسالمت‌جویانه دولت آقایان خاتمی و روحانی در سیاست خارجی، در پی پاسخ به این سوال است که شخصیت و الگوی رفتاری متفاوت رؤسای دولت‌های فوق تا چه اندازه‌ای منجر به ایجاد ادراک و سوءادراک در روابط میان دو کشور گردیده و آثار و تبعات ناشی از آن چه بوده است.

واژگان کلیدی: روانشناسی سیاسی، ادراک و سوءادراک، شخصیت، سیاست خارجی، رابطه ایران و آمریکا



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم، شماره

اول، شماره پیاپی

چهلیم، بهار ۱۴۰۰

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد مدعو گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*Hasan.shafiee.2020@gmail.com

۳. استاد مدعو گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهلیم، صص ۲۴۷-۲۱۹

مقدمه

روابط ایران و ایالات متحده آمریکا در طول چهار دهه گذشته همواره با چالش‌های گوناگونی روبرو بوده است. دو کشوری که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، متحد استراتژیک یکدیگر در منطقه تلقی می‌شدند، امروز به دشمنان سرسخت هم بدل شده‌اند. دشمنی و مناقشه‌های چهل ساله‌ای که از آن به‌عنوان یکی از ریشه‌دارترین و طولانی‌ترین مناقشه‌های تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، یاد می‌شود. تضادهای ایدئولوژیک، مسئله فلسطین، رقابت‌ها و سیاست‌های کاملاً متفاوت منطقه‌ای و کشانده شدن این اختلافات به جنگ‌های نیابتی، دو کشور را به شکل خطرناکی رو در روی یکدیگر قرار داده است.

اما با وجود اختلافات عمیق و ریشه‌ای که به برخی از آنها اشاره شد، در مقاطع مختلف، شاهد نوساناتی در کاهش و یا افزایش میزان تنش در روابط دو کشور بوده‌ایم. تاجائیکه در برخی موضوعات منطقه‌ای نظیر حذف صدام و یا مبارزه با گروهک طالبان خواسته یا ناخواسته دو کشور در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند. در بررسی علت و یا علل کاهش و یا افزایش تنش میان دو کشور، عوامل تاثیرگذار متعددی نظیر حوادث و رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی و... منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان دخیل دانست. اما نکته‌ای که شاید کمتر به آن توجه شده و یا معمولاً به آن پرداخته نمی‌شود، شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی رهبران است که همواره و در طول تاریخ، بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در ظهور و بروز حوادث و رویدادهای مهم تاریخی بوده است. رویدادهایی که به واسطه نوع و چگونگی ادراک و تصمیم متاثر از رفتار و شخصیت رهبران و سیاستمداران، سرنوشت ملت‌ها و کشورها را در طول تاریخ رقم زده است.

بسیاری از متخصصان و کارشناسان علم سیاست همچون والتر لیپمن^۱، گراهام والاس^۲ و ریورس^۳ بر این باورند که بررسی روابط سیاسی انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنبه‌های روان‌شناختی این روابط، امری ناقص و خطایی بزرگ است. لذا اهمیت نقش و

-
1. Walter Lippmann
 2. Wallace H. Graham
 3. Rivers

جایگاه شخصیت و جنبه‌های روان‌شناختی، به‌عنوان یکی از عوامل بسیار مهم بر فرایند تصمیم‌گیری رهبران و نیز نقش تعیین‌کننده آن در ترسیم روابط و سیاست داخلی و خارجی کشورها، ضرورت مطالعه و بررسی آن را دوچندان می‌کند. بنابراین نقش و جایگاه شخصیت رهبران و نخبگان سیاسی از این حیث که می‌تواند عامل صلح و رفاه و امنیت و یا بالعکس آن برای کشورها و ملت‌ها باشد بسیار مهم است. همچنین ادراک و سوء ادراک^۱ که از آن به‌عنوان یکی از کارکردها و جنبه‌های مهم شخصیت یاد می‌شود نقشی کلیدی و بسیار مهم در روابط و مناسبات فردی و اجتماعی دارد.

روانشناسان، ادراک و سوء ادراک را که مستقیماً تحت تأثیر شخصیت قرار دارد به

عنوان برداشت ذهنی نسبت به محیط، افراد و پدیده‌های پیرامونی تعریف کرده‌اند.

اما آنچه که موضوع ادراک و سوء ادراک را حائز اهمیت می‌کند، این ویژگی مهم است که در بسیاری از موارد، ممکن است، افراد از پدیده‌ای واحد، برداشتهای متفاوتی داشته باشند. موضوعی که مبحث اصلی مورد مطالعه در حوزه روانشناسی تفاوت‌های فردی^۲ نیز می‌باشد. عبارت دیگر، ادراک افراد نسبت به پدیده‌ها، ممکن است به دلایل مختلف، منطبق با واقعیت نبوده و یا فاصله زیادی با آن داشته باشد. از همین رو، کارشناسان و پژوهشگران معتقدند بسیاری از رویدادهای مهم تاریخی نظیر جنگ، قتل عام، نسل‌کشی و ... ممکن است نتیجه سوء ادراک رهبران باشد. واژه سوء ادراک را می‌توان برداشت نادرست نسبت به طرف مقابل نیز تعریف کرد. سوء برداشتی که به بیان دیگر می‌توان آن را احساس تهدید رهبران کشورها نسبت یکدیگر دانست.

با این توضیحات بنظر می‌رسد، ضرورت مطالعه نوع برداشت و رفتار سیاسی رهبران، بیش از پیش برای ما روشن شده باشد. عبارت دیگر در کنار عوامل بسیار مهمی که نقشی تعیین‌کننده در تبیین روابط و سیاست خارجی کشورها دارد، بررسی ادراک و سوء ادراک تصمیم‌گیرندگان سیاسی نیز بسیار حائز اهمیت است. لذا این پژوهش در صدد است تا در چارچوب نظریه شناختی رابرت جرویس^۳ با بررسی آثار ادراک و سوء ادراک در روابط میان ایران و آمریکا در دولت‌های آقایان خاتمی و

1. Perception and Misperception
2. Individual Differences Psychology
3. Robert Jervis

احمدی‌نژاد و روحانی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که شخصیت و الگوی رفتاری رؤسای دولت‌های مذکور تا چه اندازه‌ای منجر به ایجاد ادراک و سوءادراک در روابط میان دو کشور گردیده است.

سوءادراک و احساس تهدید در روابط میان کشورها می‌تواند، بنا به دلایل مختلفی روی دهد. مواردی نظیر افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... از یکسو و نوع عملکرد و گفتمان متأثر از شخصیت و ویژگیهای شخصیتی رهبران کشورها می‌تواند در آن مؤثر باشد.

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. اما از آنجائیکه در بررسی شخصیت افراد، اطلاعات خاصی مورد نیاز است که معمولاً با مراجعه به تاریخچه زندگی فردی و یا از طریق مصاحبه، پرسشنامه و ... به دست می‌آید و چنین امکانی در مورد شخصیت رهبران وجود ندارد لذا تلاش می‌شود تا برای رفع این محدودیت به مصاحبه‌ها، مقالات، کتب، نوشته‌ها، رفتار و عملکرد افراد مورد نظر مراجعه شود. در این مقاله ابتدا به رهیافت نظری می‌پردازیم، سپس، پیشینه پژوهشی در این زمینه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم به، ادراک و سوء ادراک در روابط میان ایران و ایالت متحده آمریکا پرداخته می‌شود و در بخش چهارم، مروری بر داده‌های مرتبط با فرضیه مقاله تحت عنوان؛ بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران در دولت آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی خواهیم داشت. بخش بعدی توضیحاتی در خصوص ویژگیهای؛ شخصیت تعاملی یا تهاجمی رؤسای دولت و نقش آن در سیاست خارجی مطرح و در خاتمه، بر اساس داده‌های موجود، نتیجه‌گیری ارائه خواهد گردید.

۱. رهیافت نظری: ادراک و سوء ادراک براساس نظریه شناختی رابرت جرویس

در عرصه روابط بین‌الملل، رویکردها و مکاتب مختلفی برای بررسی تحولات، حوادث و چگونگی روابط و سیاست خارجی کشورها وجود دارد. این رویکردها در تلاش اند تا رویدادها و وقایع بین‌المللی را ریشه یابی و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. از جمله تلاشهای انجام شده در این حوزه، مطالعه در جهت شناسایی الگوهای رفتاری حاکم بر روابط و تحولات بین‌الملل بوده است.

ادراک و سوء ادراک رهبران و تصمیم‌گیران از جمله موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه اندیشمندان در دو حوزه روابط بین‌الملل و روانشناسی سیاسی بوده است. فرایندی که به ویژه در حکومت‌های فرد محور که افراد نقش اصلی را در تصمیم‌گیری و راهبری سیاسی کشورها دارند بیشتر خود نمایی می‌کند. بنابراین طبیعی است که سطح تحلیل مورد استفاده در این پژوهش، سطح تحلیل خرد یا فردی باشد. در همین رابطه، رابرت جرویس استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلمبیا، با پرداختن به موضوع ادراک و سوء ادراک، معتقد است این فرایند می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در سیاست خارجی کشورها داشته باشد. او در کتابی که تحت همین عنوان (ادراک و سوء ادراک در سیاست بین‌الملل) منتشر نمود، با ارائه دلایل و نمونه‌های مستند تاریخی، از جمله اشاره به برخی رویدادهای مهم از تاریخ اروپا در قرن نوزدهم و بیستم، توضیح می‌دهد که چگونه تصمیمات در سیاست بین‌الملل، از جمله تصمیمات اشتباه، می‌تواند به معنای واقعی کلمه مرگ یا زندگی برای کشورها باشد، وی اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که "سوء ادراک‌ها دلیل اصلی هر دو جنگ جهانی بود" (Chris Field, 2020). وی معتقد است که باید بین دو محیط روانی و عملیاتی تمایز قائل شویم. محیط روانی، جهانی است که سیاستمدار و کنشگر آن را می‌بیند و محیط عملیاتی، جهانی است که سیاستها در آن به اجراء در می‌آیند. تصمیمها و سیاستهای سیاستمداران متأثر از اهداف، محاسبات و برداشتهای آنهاست (Jervis, 1976:13).

اهمیت احساس (ادراک) تهدید در روابط میان کشورها که بی ارتباط با واژه و اصطلاح معمای امنیت^۱ در روابط بین‌الملل نیست، مسئله مهمی است که تاکنون نقش زیادی در حوادث و مناقشات بین‌المللی داشته است.

رهبران و بازیگران سیاسی، ممکن است در صورت درک و برداشت نادرست نسبت به رهبران و تصمیم‌گیران سایر کشورها از حقایق و واقعیت‌های موجود در روابط خود با آن کشورها دور گردیده، به نحوی که با اتخاذ تصمیم و یا اقدامی اشتباه، حوادث و پیامدهای ناگواری را برای خود و یا سایر کشورها رقم بزنند. (جرویس، ۲۰۱۳)

1. Security Dilemma

این ایده که جنگ می‌تواند پیامد (سوء) برداشت رهبران از میزان و ماهیت تهدید دشمن باشد، توجهات فراوانی را در ادبیات سیاست بین‌الملل به خود جلب کرده است (George, 1980, Jervis, 1976, Lebow, 1981).

ادراک و سوادراک در سیاست بین‌الملل این سوال را بررسی می‌کند که دولتها چگونه دیگران را درک می‌کنند، شایعترین منابع خطا چیست و چگونه می‌توانند بهتر عمل کنند. تصمیم گیرندگان در کشورها، نه تنها باید در درک محیط خود تلاش کنند، بلکه باید درک دیگران را نیز در نظر بگیرند این برداشتها می‌تواند شامل این باشد که یک کشور تا چه اندازه‌ای می‌تواند تهدیدآمیز یا قابل اطمینان، ضعیف یا قوی از نظر قدرت و توانایی، سازگار و با ثبات، قابل تغییر و یا غیر قابل اطمینان باشد.

دکتر جرویس با توصیه‌های عملی برای تصمیم گیرندگان، منابع خطای رایج در ادراک را به حداقل می‌رساند.

در این روش، تصمیم گیرندگان می‌توانند با کسب آگاهی و اجتناب از خطاهای ادراکی رایج، در مسیری گام نهند تا اعتماد بی دلیل خود به باورهای غلط و غیر واقعی را کاهش دهند. دیدن و شنیدن استدلال‌های منطقی توسط تصمیم گیران باعث می‌شود تا آنها نگاهی واقعی و عقلانی نسبت به رویدادهای پیرامونی خود داشته و دنیا را همانطور که هست ببینند.

جرویس نتیجه می‌گیرد که: "در سیاست، مانند زندگی روزمره، مردم ایده‌ها و عادت‌های خود را از طریق فرایندهای اجتماعی شکل می‌دهند" و "دنیای ما اجتماعی است از این رو که چگونه فکر می‌کنیم، عمل می‌کنیم و این فرایند جدا از تعاملات موجود در آنها قابل درک نیست". مردم از آنچه دیگران می‌گویند و با آنها رفتار می‌کنند و اینکه چگونه به آنها پاسخ داده می‌شود و نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند یاد گرفته و شکل می‌گیرند. (Chris Field, 2020)

از آنجائیکه نقش و تأثیر شخصیت و ویژگیهای شخصیتی رهبران، بعنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری به مفهوم عام و تصمیم‌گیری در زمینه سیاست خارجی بصورت خاص بوده، لذا از همین رو این مهم، همواره مورد توجه کارشناسان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفته است.

رویکرد ادراکی از جمله نظریه‌هایی است که بر اساس مبانی روان شناختی، با تمرکز بر سطح تحلیل فردی اقدام به تجزیه و تحلیل تحولات بین‌الملل از منظر روان شناسی می‌نماید. بر اساس این دیدگاه برای دستیابی به ریشه‌های تعارض باید از مبانی روانشناسی شناختی استفاده نمود. چرا که سوءادراک و عدم وجود اطلاعات صحیح، ریشه در مبانی شناختی رهبران و بازیگران دارد.

رابرت جرویس با استفاده از روانشناسی شناختی، فاکتورهای اصلی موثر در ادراک و سوءادراک را شامل باور^۱، تصویر^۲ و نیت^۳ می‌داند. در واقع ادراک بعنوان مبنای فهم و یادگیری و انگیزه‌ای برای کنش و عکس‌العمل، فرایندی است که بر اساس آن سه فاکتور باور، تصویر و نیت را در بین بازیگران و رهبران سیاسی ایجاد می‌نماید. فقدان اطلاعات کافی و مستند رهبران در مورد سایر کشورها که معمولاً در قالب اطلاعات طبقه‌بندی شده به آنها ارایه می‌شود، ممکن است آنها را به زعم خود، بی‌نیاز از راستی آزمائی و اعتبارسنجی نموده و ناآگاهانه آنها را به سمت و سوی جنگ و درگیری هدایت نماید. طبق نظر رابرت جرویس جنگ و درگیری، نتیجه ادراک نادرست حاصل از سیگنال‌ها و اطلاعات غلط می‌باشد.

موضوعی که بر اساس دیدگاه عقلانی، همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد «تنگنای امنیتی» نامیده می‌شود. این موضوع که رابرت جرویس از آن بعنوان مدل "مارپیچ"^۴ در جنگ یاد می‌نماید، زمانی است که میان دو بازیگری که هر دو به دنبال امنیت هستند، یکی از آن دو کشور، برای افزایش امنیت خود اقدامات دفاعی را در دستور کار خود قرار می‌دهد، بنحویکه بازیگر دیگر این اقدامات را بر اساس برداشت اشتباه به مثابه افزایش توان برای تهاجم در نظر می‌گیرد، در نتیجه، متقابلاً خود نیز برای افزایش توان دفاعی تلاش می‌کند و این چرخه احساس ناامنی و تهدید تا جایی ادامه پیدا می‌کند که در نهایت منجر به بروز جنگ می‌گردد. البته بر عکس آن نیز وجود دارد که جرویس از آن به عنوان تخمین اشتباه در مورد نیات هجومی بازیگران یاد می‌کند. در این مدل

1. Believe
2. Image
3. Intentions
4. Spiral Model

بازیگری که توان مقابله با تهاجم بازیگر دیگر را دارد با در نظر نگرفتن و عدم توجه به نیات تهاجمی بازیگر اول، از اقدامات پیشگیرانه صرف‌نظر کرده، در نتیجه بازیگر اول فرصت کافی برای حمله غافلگیرانه را به دست می‌آورد. وی در توضیحات خود، مصداق این مدل را جنگ جهانی اول می‌داند. همچنین براساس دیدگاه روان‌شناسانه رابرت جرویس از سوء ادراک، انسان تمایل زیادی به ثبات شناختی دارد و علاقه مند است آنچه را ببیند که انتظار دیدن آن را دارد. بنابراین سعی می‌کند تا داده‌های ورودی جدید را با اطلاعات و دریافتهای قبلی خود منطبق نماید. بدین ترتیب این انتظارات باعث می‌شود تا رهبران به برخی موضوعات مورد علاقه خود توجه و سایر موارد قابل اهمیت را نادیده بگیرند. لذا در نتیجه، شاهد آن خواهیم بود که ادراک درست و کاملی از دیگران بوجود نیاید. به عبارت دیگر ثبات شناختی و علاقه مندی فرد به حفظ دیدگاه و باورهای قبلی منجر به کم توجهی و یا عدم توجه به اطلاعات ورودی جدید گردیده بنحویکه شاهد مقاومت فرد در تغییر دیدگاه و نگرش خواهیم بود، مگر زمانی که ناکارآمدی باورهای فرد بنحو غیر قابل انکاری عیان شده باشد.

۲. پیشینه پژوهش

آقای رابرت جرویس استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلمبیا و نویسنده کتاب ادراک و سوء ادراک در سیاست بین‌الملل را می‌توان یکی از اصلی‌ترین نظریه پردازان در این حوزه قلمداد کرد که مطالعات خود را بر عوامل تاثیر گذار بر رفتار تصمیم گیرندگان سیاست خارجی قرار می‌دهد. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرسبی وی در این کتاب با اشاره به وقایع و رویدادهای مهم تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه سوء ادراک می‌تواند رهبران و تصمیم گیرندگان را از حقایق بین‌المللی دور کرده و مانع رسیدن آنها به واقعیت‌های موجود در جهان گردد. مطالعه این اثر می‌تواند منجر به ارتقاء سطح دانش و آگاهی رهبران نسبت به رفتار خود و همچنین سایر بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل گردد.

کتاب "سوء ادراک‌ها میان ایران و آمریکا: یک گفتگو" در سال ۲۰۱۴ توسط دکتر عباس ملکی، استاد دانشگاه صنعتی شریف، و معاون پژوهش‌های روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک و دکتر جان تیرمن، مدیر اجرایی و متخصص پژوهشی در مرکز مطالعات بین‌المللی ام‌آی‌تی گردآوری و تدوین شده است. این کتاب در ۱۸۰ صفحه و با مجموعه مقالاتی به قلم آقایان عباس ملکی، جان تیرمن، سید حسین موسویان، رابرت جرویس، کیهان برزگر، استیون میلر، حسین بنایی، و رابرت ریردان توسط انتشارات بلومزبری به چاپ رسیده است.

۲۲۷

آنچه در مقدمه این کتاب به‌عنوان پرسش اصلی مطرح می‌شود عبارت است از اینکه: چرا دو کشور ایران و آمریکا که دست‌کم با وجود رجزخوانی‌ها و مواضع خود علیه یکدیگر الزامی به دشمنی ندارند، تاکنون بارها و بارها تا سرحد جنگ با یکدیگر تعارض پیدا کرده و پیش رفته‌اند؟

نویسندگان این کتاب معتقدند که با پیروزی دکتر حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سال ۲۰۱۳ و سپردن پست مهم وزارت خارجه به فرد متخصصی چون دکتر محمدجواد ظریف که با کشور آمریکا و مذاکره با مقامات آن آشنایی کامل دارد، نگاهی مشترک میان دو دولت رقم خورده که اساس آن را برنامه هسته‌ای ایران تشکیل می‌دهد. این بدان‌معنا نیست که همه مشکلات از پیش روی طرفین برداشته شده، بلکه هنوز هم موانع بزرگی چون نفوذ جناح‌ها و لابی‌های محافظه‌کار دو کشور می‌تواند بر مذاکرات تأثیری منفی داشته باشد.

به اعتقاد آنان چنانچه این مذاکرات با شکست مواجه شود چرخه سی و چند ساله عدم اعتماد و سوءبرداشت‌ها با سرعتی بیش از گذشته به مسیر خود ادامه می‌دهد. از نظر نویسندگان نکته کلیدی دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که سوء ادراک‌ها در روابط دو کشور به‌ویژه به‌واسطه تمرکز بر منفی‌ترین فرضیه‌ها و نظریات درخصوص نیات طرف مقابل ساخته می‌شود. با مطالعه این کتاب و بررسی رویکردهای نویسندگان آن می‌توان دریافت که اگرچه آنها در شیوه ارائه و یا اساس نظرات خود با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، اما قدر مسلم بر یک محور موضوعی متفق‌القول بوده‌اند و آن



تأثیر ادراک و سوء ادراک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی رابطه ایران و آمریکا (۱۳۹۹-۱۳۷۶).

اینکه: چگونه می‌توان اختلاف‌ها را به سمتی قابل پذیرش و قابل حل برای هر دو طرف سوق داد؟

۳. ادراک و سوء ادراک در روابط میان ایران و ایالت متحده آمریکا

با مروری بر روابط ایران و ایالات متحده آمریکا از گذشته تاکنون، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه و چه عواملی باعث شد تا دو کشور، بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، کاملاً رو در روی یکدیگر قرار گرفته و به چنین سطحی از روابط پُر تنش برسند. کارشناسان با نگاهی به گذشته، دلایل مختلفی را برای آن ذکر نموده‌اند. از جمله؛ کودتا علیه دولت ملی دکتر مصدق، حمایت آمریکا از رژیم سابق ایران، اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری، تحریم چهار ساله آمریکا علیه ایران، حمایت آمریکا از صدام در جنگ ۸ ساله، حمایت از گروه‌های مخالف و برانداز ج.ا.ایران، تضاد منافع و سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور در قبال کشورهای عربی و رژیم اسرائیل و مواردی از این دست را می‌توان نام برد. اما در کنار موارد اصلی و بسیار مهم فوق، فاکتور مهم دیگری نیز وجود دارد که نباید از آنها غافل بود و آن شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی رهبران و دولتمردان است. نخستین و شاید مهمترین گام در این عرصه، شناخت شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی رهبران دو کشور است که در اینجا رؤسای جمهور ایران (آقایان خاتمی، احمدی نژاد، روحانی) و البته ایضاً به همین ترتیب رؤسای جمهور وقت ایالات متحده آمریکا مورد نظر خواهند بود. اما قبل از هر بررسی و یا اظهار نظری باید این واقعیت را در نظر گرفت که براساس ساختار سیاسی ج.ا.ا، تعیین و اتخاذ تصمیم در سیاست‌های کلان کشور، از جمله سیاست خارجی بطور عام و مذاکره و برقراری هرگونه ارتباط با ایالات متحده آمریکا بطور خاص، در حوزه اختیارات رهبری قرار دارد با این وجود، آنچه موجب ایجاد انگیزه در انجام این پژوهش گردید، این واقعیت است که علیرغم اختلافات عمیق و ریشه‌دار بین دو کشور، در مقاطعی خاص، شاهد کاهش تنش و یا حتی همکاری محدود طرفین در برخی موضوعات منطقه‌ای بوده‌ایم. نویسنده معتقد است علت بخشی از نوسانات موجود در کاهش و یا افزایش میزان تنش در روابط دو کشور را باید در فرایند «برداشت و سوء برداشت» و شخصیت رهبران جستجو کرد. البته

مفهوم کاهش تنش لزوماً به معنی موفقیت در سیاست خارجی ج.ا.ا نیست، چرا که طرف آمریکایی، همواره با استفاده از روشهای مختلف، در نهایت به دنبال تغییر سیاستهای منطقه‌ای جمهوری ایران می‌باشد.

اما بطور کلی، احساس تهدید ناشی از سوء ادراک در روابط بین‌المللی، موضوع مهمی است که از گذشته دور تاکنون در روابط میان ملتها، همواره وجود داشته است. همانگونه که با نگاهی اجمالی به چهار دهه روابط ج.ا.ا ایران و ایالات متحده آمریکا نیز می‌توان آثار احساس تهدید ناشی از سوء ادراک را مشاهده نمود. سوء ادراکی که در تمامی سطوح سیاسی، فرهنگی، اقتصادی قابل رؤیت است.

۲۲۹

بعنوان مثال، تلاش ایران در جهت دستیابی به تکنولوژی و چرخه کامل سوخت هسته‌ای بعنوان یکی از مهمترین اولویتهای ج.ا.ا ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام می‌شود اما وقتی این اقدام بزرگ ملی در کنار خبر اعلام رسمی و غیررسمی مسئولان نظام مبنی بر ناپودی رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد، پیام روشنی را به همه مخاطبانش اعلام می‌نماید. حال اگر علاوه بر موارد فوق، حمایت از گروههای جهادی فلسطین و حزب الله را نیز در نظر بگیریم، مفهومی جز، هماهنگی کامل بین سیاست اعلامی و اعمالی بعنوان تصمیم قطعی سیاست خارجی ج.ا.ا ایران ندارد.

در این مرحله می‌توان گفت از منظر طرفهای مقابل، موضوع، از مرحله سوء ادراک عبور کرده و آن(خطر) را ادراکی مبتنی بر واقعیت دانسته و لذا بوضوح شاهد اعمال حداکثر فشار علیه جمهوری ایران می‌باشیم. به هر حال نقش و حضور فعال و محوری ایران در مناقشات خاورمیانه، طبعاً این نگرانی را برای ایالات متحده و شرکای غربی و منطقه ایش به وجود آورده است که افزایش قدرت نظامی و ایضاً گسترش حوزه نفوذ ایران در منطقه، تهدیدی جدی برای منافع و امنیت این کشورها خواهد بود. و البته نتیجه طبیعی آن، نگرانی کشورهای همسوی با آمریکا در منطقه بوده و زمینه‌های توجیه ایجاد پایگاههای نظامی و فروش قابل توجه تسلیحات بیشتر را فراهم کرده است. دغدغه‌ها و نگرانی‌های که کارشناسان روابط بین‌الملل از آن، به عنوان "معمای



تأثیر ادراک و
سوء ادراک بر
سیاست خارجی
جمهوری اسلامی
ایران: مطالعه
موردی رابطه ایران
و آمریکا (۱۳۹۹-
۱۳۷۶).

امنیت^۱ یاد می‌کنند. تعبیری که در آن افزایش قدرت نظامی یک دولت (با هدف افزایش ضریب امنیتی خود)، منجر به ایجاد سوء برداشت در سایر دولت‌ها خواهد شد. حال با توجه به توضیحاتی که داده شد، ضرورت دارد تا بمنظور بررسی موضوع اصلی مقاله، مروری بر سیاست خارجی ج.ا. ایران طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۹ داشته باشیم.

۴. بررسی سیاست خارجی ج.ا. ایران در دولت خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی

۴-۱. سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوره ریاست جمهوری آسید محمد خاتمی:

با روی کار آمدن دولت خاتمی موسوم به دولت اصلاحات، تفاوتی معنادار در گفتمان^۲ دولت جدید نسبت به گذشته در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی پدید آمد.

روند تنش زدایی در سیاست خارجی در سرلوحه فعالیت‌های دولت و وزارت امور خارجه قرار گرفت. دولت اصلاحات با تکیه بر شعار توسعه سیاسی در داخل و به کارگیری مفاهیمی همچون جامعه مدنی، تنش زدایی در سیاست خارجی و گفتگوی تمدن‌ها در خارج، تلاش نمود تا به زعم خود چهره سیاسی جدیدی را نزد افکار عمومی جهانیان به نمایش بگذارد.

تا جایی که سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها نامیده شد. هرچند وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر با وجود اقبال جهانی به این ایده آن را به فراموشی سپرد.

این دولت با ارائه شعارهایی همچون جامعه مدنی، آزادی بیان، دموکراسی، توسعه سیاسی، مشارکت و حق مردم در تعیین سرنوشت و ... اعلام موجودیت نمود.

طرح شعارهایی همچون جامعه مدنی، آزادی بیان، دموکراسی و مانند آن علاوه بر بازتاب و کسب پرستیژ جهانی، امکان ایجاد فضای مثبت و پرشور مشارکت در داخل را نیز فراهم می‌نمود. بقول آقای دکتر دهشیری؛ «جامعه مدنی در بُعد سیاسی موجب مشارکت سیاسی مسالمت آمیز مردم در انتخابات و مانع از آن می‌شود که حکومتگران،

1. Security Dilemma
2. Discourse

فرایند انتخابات را به نفع خود تغییر دهند. به عبارت دیگر، جامعه مدنی موجب بالا رفتن فرهنگ سیاسی جامعه یعنی دست به دست شدن قدرت سیاسی بدون خشونت، به صورت مسالمت آمیز و با مشارکت وسیع گروههای سیاسی در زندگی سیاسی می‌گردد. (دهشیری، ۱۳۷۷)

آقای سید محمد خاتمی را که بسیاری از او به عنوان رهبر و پرچمدار جنبش اصلاح طلبی در ایران یاد می‌کنند، قبل از تصدی سمت ریاست جمهوری، او را بعنوان چهره ای فرهنگی، دانشگاهی و روحانی روشنفکر می‌شناختند که معتقد به آزادی در چارچوب قانون، توسعه سیاسی، دموکراسی و رشد اقتصادی بود که البته از منظر منتقدان داخلی اش، متهم به تسامح و تساهل در اندیشه دینی و تبعیت از تفکر لیبرالیسم است. محمد خاتمی برای پیش برد اهداف سیاست خارجی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، استراتژی تنش‌زدایی را پیش گرفت ". سیاست تنش‌زدایی در این دوره مبتنی بر بنیان نهادن سیستم دموکراتیک در داخل کشور و درخواست صلح و امنیت از جهان خارج بر پایه عدالت و تأکید بر اصول برابری و حذف زور از روابط بین‌المللی بود.

یکی از مهم ترین شعارهای آقای خاتمی برای تحقق استراتژی تنش‌زدایی، ابتکار گفت‌وگوی تمدن‌ها بود. در زمان روی کار آمدن محمد خاتمی سیاست خارجی ایران تحت فشار قرار داشت، به ویژه پس از مطرح شدن ایده نزاع بین تمدن‌ها از سوی ساموئل هانتینگتون، ابتکار عمل سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌المللی با محدودیت مواجه شده بود. از طریق ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها " خاتمی به دنبال نفوذ یا تأثیرگذاری بر ایده نزاع بین تمدن‌ها بود و تأکید داشت که نظم جهانی نباید به صورت غرب در مقابل بقیه نگریسته شود.

در دنیای جهانی شده، خاتمی از استراتژی گفت‌وگو استفاده کرد تا ایران به عنوان بخشی از جامعه بین‌المللی باشد و در همان زمان تلاش کرد تا جامعه بین‌المللی را در مورد درک فلسفی خود قانع کند که جامعه بین‌المللی به جای چالش‌های دیپلماتیک موجود باید مبتنی بر گفت‌وگو باشد ". (Aldosari, 2015: 54)

ایشان در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۷۷ علاوه بر طرح مواردی همچون؛ کشیدن خط بطلان بر حق تبعیض‌آمیز «وتو» در به رسمیت شناختن حق مساوی و عادلانه همه کشورهای عضو و یا تا وقتی حق وتو باقی است، تخصیص یک کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد به کشورهای اسلامی «به نمایندگی از یک میلیارد و چند صد میلیون نفوس، بعنوان ششمین عضو دارای حق وتو در آن شورا و اختصاص و تعمیم همین امر به سایر کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، اظهار می‌دارد؛ " به نام ج.ا. ایران پیشنهاد می‌کنم که به عنوان گام اول، سال ۲۰۰۱، از سوی سازمان ملل سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامیده شود، با این امید که با این گفت‌وگو نخستین گام‌های ضروری برای تحقق عدالت و آزادی جهانی برداشته بشود. از والاترین دستاوردهای این قرن، پذیرش ضرورت و اهمیت گفت‌وگو و جلوگیری از کاربرد زور، توسعه تعامل و تفاهم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و تقویت مبانی آزادی و عدالت و حقوق انسانی است." (خاتمی، ۱۳۷۷)

زمینه‌های ایده گفت‌وگوی تمدن‌های محمد خاتمی علاوه بر تلاش برای کاستن از اثرات نظریه نزاع بین تمدن‌های ساموئل هانتینگتون ریشه در یک موضوع نیز داشت و آن عبارت بود از "تجربه و شخصیت رئیس‌جمهور. با توجه به تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خاتمی تجربه بسیار خوبی در زمینه گفت‌وگو بین مذاهب به ویژه اسلام و مسیحیت داشت. از طرف دیگر ایده گفت‌وگو و فهم مشترک عمدتاً فرهنگی بود که زبان خود را داشت و متفاوت از زبان قدرت، نظامی‌گری، منافع اقتصادی و دیپلماسی برابری قدرت بود (Hafeznia, 2005: 23).

بدنبال مواضع جدید و تغییر در رویکرد سیاست خارجی دولت اصلاحات، خانم آلبرایت وزیر خارجه دولت بیل کلینتون در فروردین‌ماه ۱۳۷۷ طی گزارشی از سیاست خارجی آمریکا به کنگره از وضعیت جدید در روابط ایران و آمریکا تمجید کرد. وی در سخنان خود به طور غیرمستقیم از سیاست‌های گذشته آمریکا در قبال ایران عذرخواهی نمود. ایشان اظهار نمود؛ آمریکا از رژیم شاه پشتیبانی می‌کرد. ضرورت‌های جنگ سرد، سیاست‌ها و فعالیت‌های آمریکا را شکل می‌داد که تعداد زیادی از ایرانیان از آن متنفر بودند. لذا با چنین سابقه‌ای عکس‌العمل ایرانی‌ها قابل درک است. وی سپس از ایرانی‌ها

دعوت کرد برای ترسیم یک نقشه راه منتهی به عادی‌سازی روابط به امریکا بپیوندند. بیل کلیتون مدتی بعد برای تأمین خواسته ایران در فروردین ۱۳۷۸ طی سخنانی در کاخ سفید اعلام کرد: «ایرانی‌ها حق دارند به خاطر آنچه کشور من یا فرهنگ من و یا متحدین امروزی ایالات متحده ۵۰ یا ۶۰ یا ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال پیش به سر کشورشان آورده‌اند عصبانی باشند اما این مساله غیر از این است که گفته شود ما کافریم و آنها برگزیده خداوند هستند» (تاجیک، ۱۳۹۸).

به دنبال سخنان مثبت بیل کلیتون و خانم آلبرایت، دولت امریکا تحریم‌های اقتصادی ایران را کاهش و مجوز فروش مواد غذایی و پزشکی را به ایران صادر نمود و قرار شد، وزارت امور خارجه امریکا به منظور کاهش تنش میان دو کشور، نام «سازمان مجاهدین (منافقین) خلق» را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

در اوایل سال ۱۳۷۸ سخنگوی وقت وزارت خارجه امریکا رسماً آمادگی امریکا برای استقرار کنسولگری در تهران برای تسهیل صدور ویزای ایرانیان را اعلام نمود.

خانم مادلین آلبرایت، وزیر سابق امور خارجه ایالات متحده، در فروردین سال ۱۳۷۹ رسماً ضمن پیام تبریک سال نو به ایرانی‌ها به نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت دکتر مصدق و حمایت از تجاوز عراق به ایران اشاره کرد و تأسف و ناراحتی خود را از این مسأله ابراز داشت. در بخشی از پیام آلبرایت به مناسبت عید نوروز آمده بود: «ایرانی‌ها با یک تمدن سه هزار ساله با انتخاب بهار به عنوان آغاز سال، هوشمندی خود را نشان دادند و ما هم به این هوشمندی سلام می‌کنیم. ما از این‌که در سال‌های پیش در مسائل داخلی ایران دخالت کردیم واقعاً و از صمیم قلب ناراحتیم. دولت امریکا به نمایندگی از سوی مردم این کشور حاضر است هر کاری که ایرانی‌ها می‌گویند انجام دهد.» اما ایران به هیچ‌کدام از قدم‌های امریکا برای از میان برداشتن دیوار بی‌اعتمادی جواب مساعدی نداد و دستگیری و محاکمه چند یهودی ایرانی در شیراز باعث شد مجدداً بحرانی در روابط ایران با غرب ایجاد شود. با گذر از این مقطع و به دنبال پیروزی چشمگیر اصلاح‌طلب‌ها در مجلس ششم امریکا بار دیگر ایران را به انجام مذاکرات مستقیم دعوت کرد. بیل کلیتون خسته و وامانده از تمامی تلاش‌هایش برای رفع سوء تفاهم‌ها و بهبود روابط با ایران اعلام کرد: «من تمام تلاش‌های خود را

در زمینه بهبود روابط با ایران و راه‌های محدود به کار گرفته‌ام و هرکاری را که رییس جمهوری آمریکا می‌تواند کند انجام داده‌ام.» (تاجیک، ۱۳۹۸)

بنظر می‌رسید تمامی تلاش‌های دولت خاتمی در جهت رفع سوء تفاهات دو کشور، تلاشی بیهوده بود، زیرا تحقق چنین امری مستلزم رضایت تمامی ارکان قدرت و حاکمیت درون نظام بود، در حالیکه چنین عزم و اراده و خوشبینی وجود نداشت.

البته بعدها منتقدان او بدون اشاره به مخالفتها و موانع ایجاد شده، مدعی شدند که ایده گفتگوی تمدن‌های خاتمی، حتی در زمان طرح آن نیز نه تنها، دستاورد قابل اعتنایی را به دنبال نداشته است بلکه بر عکس، محور شرارت و حامی تروریسم خواندن ج.ا.ا در دنیا توسط جرج بوش پسر، رئیس جمهور وقت آمریکا، آنهم تنها چند ماه پس از طرح و تصویب این ایده در سازمان ملل و همچنین جنگ بزرگ و ویرانگر آمریکا در افغانستان و عراق را از دستاوردهای بعدی ایده گفتگوی تمدن‌ها در سال ۲۰۰۲، یعنی درست یک سال بعد از تصویب این ایده، می‌دانند. منتقدانش بر این اعتقادند که خوش بینی او در برابر نظام سلطه نوعی وادادگی و عقب نشینی در برابر زیاده خواهی غریبه‌است و هر گام عقب نشینی در مقابل آمریکا و غربی‌ها آنها را جسورتر نموده تا جایی که استقلال مان را هم باید به پای آن قربانی کنیم. اما به هر حال، علیرغم عملکرد کاملاً متضاد و جنگ طلبانه ایالات متحده آمریکا در آن مقطع و صرفنظر از عدم کارایی مؤثر ایده گفتگوی تمدن‌ها، این واقعیت را نمی‌توان انکار نمود که رایه این پیشنهاد از سوی ج.ا.ا و تصویب آن در سازمان ملل، تا اندازه‌ای، فضای سیاسی بین‌الملل را در آن مقطع به نفع ج.ا.ا تغییر داد.

۴-۲. سیاست خارجی ج.ا.ا ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد

یکی از مهم‌ترین اصول و مولفه‌های سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد اعلام نارضایتی نسبت به ساختار نظام بین‌المللی و رایه پیشنهاد در جهت اصلاح و تغییر ساختار حاکم بر روابط بین‌الملل بود. وی با به چالش کشیدن نظام سلطه، آن را راستای منافع دولت‌های قدرتمند و زورگو و علیه ملت‌های ستمدیده و مظلوم جهانی

می‌دانست. نگاهی آرمانگرایانه با رویکردی تهاجمی که به زعم برخی از کارشناسان، یادآور مواضع دهه اول انقلاب بود.

وی در مرداد ۱۳۸۶ در مراسم افتتاح گردهمایی سفیران و رؤسای نمایندگیهای ج.ا. در خارج از کشور، با بیان اینکه "جهان در آستانه تحولی عظیم قرار دارد، گفت: ماموریت بزرگ امروز ج.ا. ایران اصلاح و تغییر ساختار مناسبات و روابط بین‌المللی در جهت منافع ملت ها و ترسیم شرایط مطلوب است". ایشان حرکت برای تغییر شرایط نامطلوب، نامشروع و غیرصحیح حاکم بر روابط بین‌المللی را مطالبه همه انسان های منصف و صالح به ویژه ملت بزرگ ایران برشمرد و تصریح کرد: امروز ملت و دولت ایران از تهدیدهای قدرت های فاسد ناراحت و نگران نیستند و ماموریت خود برای اصلاح نظام حاکم برجهان مبتنی بر عدالت، خداپرستی و عشق و مهرورزی و انصاف را فریاد می زنند. آقای احمدی نژاد عدالت گستری را ثمره و مقوم توحید و یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی برشمرد و تاکید کرد: مناسبات جهان و قوانین بین‌المللی باید براساس عدالت تنظیم و اجرا شود و همه انسان ها از حقوق متناسب در عرصه های مختلف برخوردار باشند.

احمدی نژاد با بیان اینکه همه مناقشات برپایه عدالت قابل حل و فصل است، گفت: امنیت پایدار فقط در سایه عدالت محقق می شود و ریشه ضایع کردن حقوق ملت ها و ترویج تروریسم در بی‌عدالتی‌هایی است که قدرت های زورگو بر جهان تحمیل می کنند. آقای احمدی نژاد عشق به بشریت را از دلایل آفرینش انسان ها از سوی خداوند عنوان و خاطر نشان کرد: مهرورزی از دیگر اصول ج.ا.ا. در سیاست خارجی و رابطه با ملت ها است.

ایشان در ادامه با بیان اینکه تعالی معنوی و همه جانبه، زندگی جاوید و ابدی برای انسان ها را رقم می زند، گفت: تعالی جامعه بشری و حفظ کرامت انسانی همراه با داشتن نگاه هدفمند به جهان در کنار عدالت و مهرورزی جزو اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. (خبرگزاری ایسنا، ۲۱ مرداد ۱۳۸۶)

به هرحال همانگونه که شاهد آن هستیم، طی سال های ۱۳۸۷ - ۱۳۸۴ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران از «صلح مردم سالار اسلامی» به «اصول گرایی

عدالت‌محور» تغییر کرد. از خصوصیات قابل توجه گفتمان جدید می‌توان به زیر سؤال بردن هنجارهای بین‌المللی، اتخاذ رویکرد تهاجمی نسبت به غرب و به چالش کشیدن سیاست قدرت‌های بزرگ، بازبینی در سیاست‌های ایران بر مبنای اولویت تنظیم روابط بر گسترش روابط و ضرورت تعامل با ملت‌ها و جنبش‌های عدالت‌خواه جهان اشاره کرد. روندی که سیاست خارجی ج.ا.ا را به سمت و سوی همکاری و تعامل بیشتر با کشورهای خاص آفریقایی و آمریکای لاتین سوق داد.

رویکردهای سیاست خارجی آقای احمدی نژاد را در حوزه‌های سیاست خارجی در زمینه‌های دولت ملی، هویت دولت ج.ا.ا، منافع و اهداف ملی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل اینطور می‌توان برشمرد: دولت ملی در چارچوب ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی - شیعی تعریف می‌گردد و نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. این گفتمان از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومتی می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام را در مرکز ثقل خود دارد. انقلاب اسلامی و آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های آن یکی از مقدمات بنیادی و یکی از عناصر اساسی تعیین و تعریف‌کننده هویت ملی ایران است (عیوضی، ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی دولت نهم، توصیف و تبیین و اعتراض به نظام سلطه جهانی و انتقاد نسبت به عملکرد سازمان‌های بین‌المللی به منظور تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظام عادلانه بوده است. محمود احمدی نژاد با هشت بار حضور خود در مجمع عمومی سازمان ملل، همواره رویکردی اعتراضی نسبت به عملکرد قدرت‌های بزرگ را در پیش می‌گیرد. وی برخلاف، خاتمی که با ارایه نظریه گفتگوی تمدن‌ها به دنبال گفتگو و تعامل با دنیای غرب بود، در سال ۸۴ با سخنانی اعتراضی، قدرت‌های غربی را به چالش کشید و در مواضعی صریح به انکار قضیه هولوکاست پرداخت و خواهان حذف رژیم اشغالگر قدس از نقشه جغرافیا شد. ایشان دومین سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۸۵ به مباحثی همچون گسترش بی‌وقفه سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی، اشغال کشورها و توسعه درگیری‌ها، عدم رعایت حقوق اعضای سازمان‌های بین‌المللی و نیاز حیاتی و فوری

شورای امنیت به مشروعیت و کارآمدی پرداخت. ایشان در این سخنرانی اگرچه صراحتاً به مساله هولوکاست نپرداخت اما به نحوه شکل‌گیری رژیم صهیونیستی اشاره کرد که واکنش رسانه‌های غربی را برانگیخت.

سومین حضور احمدی نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۸۶ نیز با حاشیه‌هایی از جمله سخنرانی وی در دانشگاه کلمبیا همراه بود. در این مراسم، رئیس دانشگاه کلمبیا «لی بولینگر» در سخنانی توهین‌آمیز در ابتدای این جلسه و قبل از سخنان آقای احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران را «دیکتاتور حقیر» خطاب کرد و در پایان سخنان خود نیز گفت که آرزو داشتم بهتر می‌توانستم از پس احمدی نژاد برآیم.

احمدی نژاد در چهارمین حضور خود در سازمان ملل متحد در سال ۸۷ و سخنرانی در این مجمع به مباحثی همچون جهان، انسان، آزادی و عبودیت و عدالت پرداخت. ایشان در این اجلاس اظهارداشت؛ من به صراحت اعلام می‌کنم که ملت ایران و بسیاری از ملت‌ها و دولت‌ها با این نگاه و عملکرد سلطه‌گران جهانی مخالف‌اند.

وی افزود: برپایی عدالت نیازمند انسانهایی است که در درون خود به اعتدال و عدالت رسیده باشند و خوی برتری‌جویی را مهار و خصلت فداکاری و خدمت‌گذاری به نوع بشر را متجلی کرده باشند که تحقق کامل و تمام‌عیار آن جز در سایه حاکمیت انسان صالح و کامل، عبد خدا و موعود پیامبران الهی میسر نیست. رئیس‌جمهور در مصاحبه با شبکه تلویزیونی CNN اعلام کرد که ما با یهودی‌ها مشکلی نداریم اما صهیونیست‌ها دین ندارند. رئیس‌دولتهای نهم و دهم، بهمین ترتیب در سالهای بعد نیز در سخنرانی‌های خود به موضوعاتی همچون؛ صلح و امنیت فقط از طریق ترویج یکتاپرستی، تشکیل گروه حقیقت‌یاب مستقل درباره حادثه ۱۱ سپتامبر و شناسایی مسببان اصلی (به دلیل اینکه بعدها عده‌ای اظهار نظر درباره آن را ممنوع نکنند)، سال ۲۰۱۱ سال خلع سلاح اتمی و "انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ کس" اعلام شود، نشست فوق‌العاده، مجمع به منظور اصلاح و نهایی کردن ساختار سازمان می‌پردازد.

۴-۳. سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی

آقای حسن روحانی رئیس دولت یازدهم و دوازدهم که با شعار تدبیر و امید وارد عرصه اجرایی کشور شد، اصول سیاست خارجی خود را نیز بر اساس شعار تدبیر و امید، حول محورهایی همچون گفتمان سازنده، اعتدال گرایی، تعامل و احترام متقابل، دیپلماسی برد-برد، نفی خشونت و افراط، تنش زدایی و منطقه گرایی اعلام نمود. به عبارت دیگر می توان گفت، سیاست خارجی این دولت به نوعی ادامه سیاست خارجی دولت های سازندگی و اصلاحات محسوب می شود چرا که مبنای سیاست خارجی ج.ا.ایران در دولت یازدهم و دوازدهم همچون دولت اصلاحات بر محور گفتمان، پی ریزی شده است. آقای روحانی در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ در مراسم تحلیف خود در مجلس شورای اسلامی، اصول بنیادین سیاست خارجی مورد نظر خود را اینگونه اعلام کرد که: «در عرصه ی سیاست خارجی، با قاطعیت تمام و به عنوان منتخب مردم شریف ایران، اعلام می دارم که ج.ا. ایران در پی صلح و ثبات منطقه است. ایران لنگرگاه ثبات در این منطقه ی پرآشوب است. ما در پی تغییر مرزها و دولت ها نیستیم. نظام سیاسی هر کشور به خواست و اراده ی عمومی مردم آن کشور بستگی دارد. ما با هر گونه دگرگونی در نظام های سیاسی از طریق مداخلات خارجی مخالفیم و به کارگیری زور را نقطه ی مقابل مردم سالاری و حق تعیین سرنوشت ملت ها می دانیم. مخالفت و ستیز با هر گونه زورگویی، سلطه و تجاوز مخصوصا تعرض نظامی، جزیی از فرهنگ اسلامی، انقلابی و ایرانی ماست. آرامش و ثبات در همه ی مناطق پیرامونی ما نه فقط یک آرزو و خواست، بلکه نیاز و ضرورتی همه جانبه برای ج.ا. ایران است.

وی که برنامه جامع دولت خود در حوزه سیاست خارجی را در قالب کتابی با عنوان «دوباره ایران» منتشر نمود، دولت یازدهم را میراث دار یکی از بدترین دوره ها از مناسبات جمهوری اسلامی ایران با همسایگان و قدرت های فرا منطقه ای اعلام نموده که برای قرار دادن سیاست خارجی در مسیر تعامل سازنده و مؤثر با همه کشورهای جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت تلاش می نماید. (خبرگزاری ج.ا.ا، ۱۱/۲۷/۲/

ایشان معتقد است دولت او مسئولیت کشور را در شرایطی تحویل گرفت که: کشور در عرصه سیاست خارجی با تنگ‌ترین فضا و بیشترین فشار پس از پایان جنگ تحمیلی و بلکه در کل سال‌های پس از انقلاب اسلامی بسر می‌برد. با اجماع قدرت‌های جهانی، برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی شناخته می‌شد.

با اعمال سخت‌ترین تحریم‌های هدفمند و ظالمانه علیه کشور از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، کشور از حق خود در فعالیت‌های روزمره اقتصادی بین‌المللی محروم بود.

احتمال حمله نظامی و یا دست‌کم تهدید به حمله نظامی به کشور به‌طور علنی و متناوب مطرح می‌شد.

کشور درگیر بالاترین نرخ تورم پس از انقلاب (۴۵٪) توأم با رکود شدید اقتصادی بود به‌نحوی که ارزش پول ملی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ حداقل سه برابر کاهش یافته بود.

روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپایی به دلیل تحریم‌ها و نیز به خاطر لحن تحریک‌کننده و تهاجمی دولت دهم (به‌ویژه با طرح موضوعاتی مانند هولوکاست) در کمترین سطح خود قرار داشت و روابط با برخی از مهم‌ترین کشورها نیز کاملاً قطع شده بود. تحریم‌های مختلف علیه ایران یکی پس از دیگری در کنگره آمریکا به تصویب می‌رسید و با اعمال زورمدارانه «فراسرزمینی» همه کشورها ملزم به رعایت آن‌ها می‌شدند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تحریم بانک مرکزی ایران بود. علاوه بر قانون کاهش فزاینده خرید نفت از ایران، طرح تحریم خرید نفت ایران هم در دستور کار قرار داشت که می‌توانست صادرات نفت ایران را در مدت کوتاهی به مرز صفر برساند.

کشورهای دوست همچون روسیه و چین و هند نیز متأثر از فضای سنگین تحریم علیه کشور روابط اقتصادی و تجاری خود را با ایران محدود ساخته و یا امتیازات نامتوازن و یک‌جانبه فراوانی به نفع خود وضع کرده و در واقع هزینه سنگینی برای ساده‌ترین تعاملات اقتصادی از ملت ایران اخذ می‌کردند. اموال و دارایی‌های ایران در بانک‌های این کشورها به‌عنوان گرو نگهداری می‌شد و ایران مجبور بود از محل آن از

کشورهای مذکور کالاهای مصرفی خریداری و وارد کشور کند. در واقع فروش نفت به صورت تهاثری و در قبال واردات کالاهای مصرفی بی کیفیت انجام می‌شد که این عملاً به معنای اتلاف سرمایه ملی و عدم امکان استفاده بهینه از درآمدهای نفت برای مصالح کشور (مانند سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی و توسعه‌ای) نیز آسیب رساندن به تولیدات داخلی بود.

هرگونه نقل و انتقال مالی رسمی و شفاف از مبدأ و یا به مقصد کشور ممنوع شده بود و همین امر زمینه را برای گسترش فساد و سودجویی‌های کلان رانت‌خواران و واسطه‌ها و اتلاف شدید بیت‌المال فراهم می‌کرد.

آقای روحانی از بعد امنیتی و نظامی از جمله مهم‌ترین دست‌آوردهای دولت خود در حوزه سیاست خارجی را خارج کردن ایران از ذیل فصل هفت منشور و دستور کار شورای امنیت، مختومه شدن پرونده ابعاد نظامی هسته‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دریافت سامانه دفاعی پیشرفته اس-۳۰۰ از روسیه پس از چند سال تعلل، تعدیل مصوبات و حذف کامل تهدیدات شورای امنیت پیرامون آزمایش‌های موشکی ایران، رفع تهدیدات امنیتی اقتصادی ناشی از تحریم‌ها اعلام می‌نماید.

دولت یازدهم که برای رفع تحریم و فشارهای بین‌المللی، چاره کار را انجام مذاکراتی مستقیم با طرف آمریکایی با حضور سایر قدرتهای جهانی می‌بیند با انجام مذاکراتی فشرده و رایزنی‌های گسترده دیپلماتیک، پس از گذشت ۲۳ ماه، سرانجام در تیرماه سال ۱۳۹۴ به توافق بر سر «برنامه جامع اقدام مشترک» با شش قدرت جهانی دست می‌یابد. دولت تدبیر و امید که تحقق تمامی وعده‌های داده شده و رفع مشکلات ج.ا. ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... را در گروی اجرای مفاد برجام می‌دید به ناگهان با تغییر دولت آمریکا و خروج این کشور از برجام آن را بر باد رفته می‌بیند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس نیوز می‌گوید؛ توافق هسته‌ای ایران را یک توافق احمقانه خواند و گفت این (برجام) انجام هرکاری را غیرممکن می‌ساخت، به همین دلیل به آن خاتمه دادم. وی در ادامه می‌گوید: ما هشت تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کردیم، توافق هسته‌ای ایران فاجعه بار بود،

توافقی که ایران هرگز نمی‌توانست آن را ببندد چرا که ۱۵۰ میلیارد دلار به همراه ۱.۸ میلیارد دلار وجه نقد را به آنها داد. (ایرنا، ۳۱/۶/۱۳۹۹)

دولت ترامپ در ادامه، ضمن تشدید فشارها، خواهان مذاکره بر مبنای شرایط و توافقنامه‌ای جدید با دولت ایران می‌گردد. این درحالی بود که رهبری نظام در مقاطع مختلف، عدم خوشبینی خود به وعده‌های آمریکا را اعلام نموده بود. دولت تدبیر و امید که با انتخاب رویکرد گفت‌وگو، تحقق وعده‌های خود را تنها در گرو مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا می‌دید تمامی آنچه که با زحمت فراوان بافته شده بود را به یکبار پنبه می‌بیند. آقای روحانی که پس از خروج آمریکا از برجام، بارها در جلسات و مصاحبه‌های مختلف، مذاکره دوجانبه با آمریکا را مردود دانسته و نشستن بر سر میز مذاکره در سایه تحریم و فشار را ذلت و تسلیم خوانده بود (خبرگزاری مهر، ۲۸ مهر ۱۳۹۹)، در تازه‌ترین سخنان خود به صلح امام حسن (ع) اشاره نموده و می‌گوید: «وقتی برخی از اصحاب امام حسن آمدند با زبان معترضانه که چرا قبول کردید و چرا صلح کردید؟ چرا در برابر طرف مقابل پیمان را امضا کردید؟ حضرت فرمود: "انی رأیت هوی معظم الناس علی الصلح"، گفت؛ جامعه اسلامی که شما ۱۰ نفر نیستید شما ۲۰ نفری که اینجا پیش من آمدید دنیای اسلام نیستید من در مسجد برای مردم سخنرانی کردم و دیدم اکثریت قاطع جامعه صلح می‌خواهند و وقتی مردم این را می‌خواهند صلح را انتخاب می‌کنم» (خبرگزاری ج.ا.ا، ۲۳، ۱، ۱، ۱۳۹۹). این اظهارات که با واکنش تند مخالفان و منتقدان دولت روبرو شد، آن را مصداق تحریف تاریخ و حاشیه‌سازی برای فرار دولت نسبت به پاسخگویی پس از شکست برجام عنوان می‌گردد.

۵. شخصیت تعاملی یا تهاجمی رؤسای دولت و نقش آن در سیاست خارجی

شخصیت و ویژگیهای شخصیتی رهبران از جمله فاکتورهایی است که نقش و تاثیر غیرقابل انکاری بر سیاست خارجی و روابط میان کشورها دارد. برای بررسی و شناخت این ویژگیها، نظریه‌ها و دیدگاههای مختلفی تاکنون ارائه شده است. ابتدا، نظریه پردازان شخصیت، در صدد تعیین تعداد ویژگی شخصیتی موجود در افراد بودند. بعنوان مثال

گوردون آلپورت^۱ یکی از اولین نظریه پردازان شخصیت تا ۴۰۰۰ ویژگی شخصیتی را مطرح نمود. بعد از وی، ریموند کتل^۲، دیگر نظریه پرداز شخصیت، تعداد ویژگی‌های اصلی شخصیت را نخست به ۱۷۱ مورد و سرانجام لیست نهائی خود را به ۱۶ ویژگی شخصیت کاهش داد.

هانس آیزنک^۳، نظریه پرداز دیگر در این حوزه، نظریه سه عاملی را مطرح و گروهی دیگر از روانشناسان طی سال‌ها پژوهش، مدل پنج عاملی شخصیت را ارائه نمودند. گروه اخیر معتقد بودند که پنج بُعد اصلی در شخصیت انسان وجود دارد که شامل؛ برونگرایی، قابلیت سازگاری، گشودگی، وجدان و روان رنجوری می باشد که از آن به عنوان ویژگی‌های شخصیتی "Big 5" یا پنج بزرگ یاد می شود.

اما فارغ از اینکه روانشناسان شخصیت، متناسب با دیدگاه و سلیقه خود، به چه تعداد از این ویژگیها دست یافته و یا به آن اهمیت می دهند، پیچیدگی‌های روانشناختی انسان، تعیین حدود و ثغور برای این ویژگیها را سخت می نماید. این ویژگیهای شخصیتی می تواند تمامی یا بخشی از نشانه های یک شخصیت سالم، کارزماتیک تا علائمی از ناهنجاری‌های روان‌شناختی و اختلالات شخصیتی نظیر؛ خودشیفتگی، خودکامگی، شخصیت نمایشی، افسردگی، اضطراب و وسواس، عدم اعتماد به نفس و ... را در برگیرد.

کشف و شناسایی این ویژگیها مستلزم استفاده از ابزار و روشهایی نظیر مصاحبه بالینی، پرسشنامه، تاریخچه زندگی فردی و ... است که دستیابی به آن در سطح رهبران (در اینجا در سطح رئیس جمهور)، معمولا توأم با محدودیتهایی بوده و یا غالبا امکان پذیر نمی باشد.

اما از آنجا که در این پژوهش، صرفا دو ویژگی خاص شامل؛ رفتار تهاجمی^۴ و رفتار تعاملی^۵ که معمولا بکارگیری و اعمال آن از سوی رهبران در سیاست خارجی، ممکن است اثر مستقیم و فوری بر روابط با سایر کشورها داشته باشد، مد نظر است،

1. Gordon Allport
2. Raymond Bernard Cattell
3. Hans Eysenck
4. Aggressive behavior
5. Interactive behavior

بنظر با مروری بر ادبیات و نوع گفتمان، رفتار و مواضع سیاسی رؤسای دولتها به راحتی قابل کشف و شناسایی است.

در این پژوهش با در نظر گرفتن این واقعیت که هرگونه تصمیم گیری مهم در حوزه سیاست خارجی ج.ا. ایران، فرایندی جدا از ساختار کلان قدرت و حاکمیت در کشور نبوده، لذا ارزیابی رفتار و عملکرد دولتها در سیاست خارجی را باید متناسب با حدود اختیار دولت ها ارزیابی نمود. اینکه برای نیل به اهداف مورد نظر در سیاست خارجی، دولتها از چه روش و رویکردی استفاده می نمایند بسیار مهم و تعیین کننده است. عبارت دیگر می توان گفت، ادبیات و نوع گفتمان مورد استفاده دولتمردان، نقشی تعیین کننده در ادراک و سوءادراک طرف مقابل دارد. برای نمونه، در اعلام مواضع و متن سخنرانی رؤسای هر سه دولت آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی در سازمان ملل، پیام اعتراض به بی عدالتی قدرتهای بزرگ دیده و شنیده می شود لیکن به دلیل ادبیات و گفتمان کاملا متفاوت مورد استفاده، نوعی از گفتمان، منجر به اجماع جهانی و صدور قطعنامه های پی در پی علیه کشور و در جایی دیگر، پیشنهاد ایده گفتگوی تمدنها، با وجود عدم کارایی مؤثر، بعنوان شعار سال سازمان ملل انتخاب که تا اندازه ای منجر به کاهش تنش در روابط خارجی کشور می شود.

عبارتی هر سه رئیس جمهور، معترض وضع موجود در نظام بین الملل، لیکن با ادبیاتی کاملا متفاوت می شوند. راهکار یکی، بر حذف و راهکار دیگری، مبتنی بر حل مسالمت آمیز و آشتی جویانه مسایل و اختلافات بین المللی از طریق گفتمان می باشد. از یک سو، مخالفان در ارزیابی سیاست خارجی دولت آقای خاتمی، نفوذ دوباره غرب در ایران را نتیجه نوع نگرش و تفکرات لیبرالیستی و منفعلانه وی دانسته و از سوی دیگر، موافقانش معتقدند که وی با اتخاذ نگاهی مثبت و تعاملی سعی در گسترش روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی با سایر کشورها داشته، بگونه ای که بهبود روابط و ارتقاء سطح مناسبات منطقه ای و بین المللی را یکی از مهمترین دستاوردهای دولت ایشان در بُعد سیاست خارجی می دانند.

از سوی دیگر در دولت آقای محمود احمدی نژاد با شخصیتی روبرو هستیم که از ابتدای تصدی دولت، راهبردی اعتراضی نسبت به شرایط موجود در داخل و اتخاذ

سیاستی تهاجمی در بعد بین‌المللی را در سرلوحه کار خود قرار داده بود و با طرح موضوعاتی جنجالی نظیر هولوکاست، نابودی اسرائیل و کاغذپاره خواندن قطعنامه های شورای امنیت، موجب شکل گیری اجماع جهانی قدرتهای بزرگ علیه ج.ا. ایران گردید.

بدین ترتیب در مقاطع مختلف زمانی، با تغییر دولتها و رویکردها، فضای متفاوتی را از نظر میزان تنش در روابط میان ایران و ایالات متحده مشاهده می‌نماییم. به گونه ای که میزان تنش در روابط دو کشور در دوره خاتمی، روندی کاهشی، در دوره احمدی‌نژاد، روندی افزایشی و در دوره روحانی تحت تأثیر اجرایی نشدن برجام توسط غرب، روندی نوسانی و در نهایت افزایشی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

روابط ایران و امریکا در طول چهار دهه گذشته همواره با چالشهای گوناگون روبرو بوده، بنحویکه برخی از این چالشها دو کشور را به شکل خطرناکی رو در روی یکدیگر قرار داده است. اما علیرغم تعارضات و اختلافات بعضاً بنیادی، در مقاطعی خاص، شاهد کاهش تنش و یا حتی همکاری محدود میان دو کشور در برخی موضوعات منطقه ای بوده ایم. نویسنده با پذیرفتن این واقعیت که بخشی از نوسانات موجود در کاهش و یا افزایش میزان تنش در روابط دو کشور، بدلیل وقوع حوادث و رویدادهای خاص و بخش دیگری نیز متأثر از استراتژی و سیاستهای جناحی و حزبی حاکم بر دولتهای طرفین می باشد، فرایند ادراک و سوءادراک رهبران و تصمیم گیران را نیز عاملی بسیار مهم و تأثیرگذار بر سیاست خارجی و روابط دو کشور می‌داند.

این مقاله براساس نظریه شناختی رابرت جرویس مبنی بر نقش تعیین کننده ادراک و سوء ادراک در سیاست خارجی به مفهوم درک نادرست کشورها نسبت به یکدیگر و در نتیجه امکان اتخاذ تصمیم غلط و بروز حوادث و پیامدهای ناگوار، در پاسخ به این سوال که شخصیت و الگوی رفتاری متفاوت رؤسای دولت های فوق تا چه اندازه ای منجر به ایجاد ادراک و سوءادراک در روابط میان دو کشور گردیده و آثار و تبعات ناشی از آن چه بوده است. بر اساس شواهد و قرائن کاملاً آشکار، صرفنظر از ارزیابی و

قضاوت در مورد عملکرد دولتها، با مروری اجمالی بر رفتار و شخصیت سیاسی آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی با مفروض گرفتن نوع گفت‌وگو و سیاست تهاجمی برای دولت احمدی نژاد و مقایسه آن با گفت‌وگو و سیاست تعاملی دولت آقایان خاتمی و روحانی، می‌توان آثار بکارگیری مواضع رادیکال و ادبیات تهاجمی دولت احمدی نژاد را به حساب جنگ طلبی ایران گذاشته شدن این مواضع، تشدید سوء ادراک در طرف مقابل، ایجاد فضای ایران هراسی، اجماع جهانی در نتیجه صدور قطعنامه های پی در پی و تشدید تحریمها علیه ایران دانست. در حالیکه در دو دولت آقایان خاتمی و روحانی بواسطه نوع ادبیات و گفت‌وگو مبتنی بر سیاست تعاملی بویژه در دولت خاتمی، اگرچه کمتر شاهد تنش ناشی از سوء ادراک در روابط طرفین بودیم لیکن با وجود مخابره پیامهای متناقض از اردوی داخل ایران، از یکسو آن را به حساب عدم وجود اختیار لازم برای دولتهای مزبور گذاشته و اتخاذ رویکرد مسالمت آمیز دولت های آقایان خاتمی و روحانی به حساب وادادگی، عقب نشینی، ضعف و در نتیجه فشار مضاعف بر ایران گذاشته شد. با این توضیح که در دور دوم دولت روحانی و حضور آقای ترامپ در رأس قدرت، عهدشکنی و عدم پایداری این کشور نسبت به برخی معاهدات بین‌المللی از جمله معاهده برجام، به طور فزاینده ای منجر به تشدید سوء ادراک و سوء ظن در بین مقامات ایرانی گردید. بنحویکه در صورت عدم بازگشت دولت فعلی آمریکا به این معاهده، نتیجه ای جز، تعمیق حس بدبینی و بی اعتمادی و تشدید مناقشات بین دو کشور نخواهد داشت. کما اینکه در گذشته شاهد چنین تغییر و پارادوکسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران نیز بودیم که از یکسو در پیام رسمی دولت ایران، همه کشورهای و لایه ایالات متحده به صلح و گفتگوی تمدن‌ها دعوت و در مقطعی دیگر و یا همزمان، خواهان مبارزه با شیطان بزرگ و سرنگونی نظام سلطه در جهان بودیم، با این تفاوت که دعوت به گفت‌وگو، تلاشی ناموفق و در حد شعار و دومی سیاست اعلامی و اعمالی نظام در منطقه خاورمیانه بوده که متقابلاً تأثیر خود را بر سوء ادراک طرف مقابل گذاشته و خواهد گذاشت.

منابع

- تاجیک، نصرت‌الله. (۱۳۹۸). *تاریخ مذاکرات ایران و آمریکا: از خاتمی تا کنون*، گفت‌وگوی سایت انصاف نیوز با نصرت‌الله تاجیک، ۱ مهر ۱۳۹۸
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «پیوند مفهومی و کارکردی جامعه مدنی و سیاست خارجی مورد جمهوری ا. ایران»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، تابستان ۱۳۷۷ شماره ۵.
- خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۷). *متن سخنرانی ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد* خبرگزاری ج.ا.ا. مشروح برنامه‌های دولت تدبیر و امید با عنوان «دوباره ایران»، کد خبر ۱۳۹۶/۲/۲۷.82534086
- خبرگزاری ج.ا.ا.، مصاحبه دونالد ترامپ در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس نیوز، کد خبر 84048103، ۳۱/۶/۱۳۹۹
- خبرگزاری ج.ا.ا.، سخنرانی حسن روحانی در جلسه هیات دولت، کد خبر: ۸۴۰۷۵۲۸۳، ۲۳ مهر ۱۳۹۹،
- خبرگزاری مهر، ۳۳ دلیل برای رد صلح با آمریکا از زبان حسن روحانی، کد خبر 5051181، ۲۸ مهر ۱۳۹۹
- عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۷). «تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد»، *نشریه راهبرد یاس*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۴.
- مقاله؛ نظریه شناختی رابرت جرویس در روابط بین‌الملل کد خبر: ۷۲۰۵۶۴، تاریخ انتشار: ۲۰ مرداد ۱۳۹۶، <https://www.tabnak.ir/fa/news/720564>
- Aldosari, Noof, Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad There is One Foreign Policy in Iran, which is Khamenei's Foreign Policy, <https://www.researchgate.net/publication/310743384>
- George, A. L. (1980). *Presidential Decision-making in Foreign Policy: a. the Effective Use of Information and Advice*, Boulder, Co: Westview.
- Hafeznia, Mohammad Reza, *Dialogue Among Civilizations as a New Approach for International Relations*, <https://eijh.modares.ac.ir/>
- Jervis, R. (1976). *Perception and Misperception in International Politics*, a. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Lebow, R.N. (1981). *Between Peace and War*, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Robert , Jervis , *Perception and Misperception in International Politics*, Center for International Affairs, Center for International Affairs, Harvard University Series, Princeton University Press, 2017
- Robert , Jervis, *Do Leaders Matter and How Would We Know?*, 2017, <https://doi.org/10.1080/09636412.2013.786909>
- Chris Field, *Reading for War*
- Book Review | *Perception and Misperception in International Politics: New Edition*, March 3, 2020, <https://cove.army.gov.au/article/book-review-perception-and-misperception-international-politics-new-edition>
- John Tirman , Maleki , Abbas , *U.S.-Iran Misperceptions: A Dialogue*, Published by Bloomsbury Academic , February 13, 2014

۲۴۷

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

تأثیر ادراک و
سوء ادراک بر
سیاست خارجی
جمهوری اسلامی
ایران: مطالعه
موردی رابطه ایران
و آمریکا (۱۳۹۹-
۱۳۷۶).

